

مساحه  
تاتارستان و بلوچستان  
پیرامون مسأله زمین خواین  
و جهاد سازندگی



پای صحبت برادر تاتاری نماینده  
مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی

## وحدت تشیع و تسنن می تواند

## تمام توپنه‌های آمریکا

## را خنثی کند

عامش فعالیت چنانی ندارند. ما امیدواریم از طریق قوانینی که از مجلس خواهد گذشت، آن نظام خانخانی را در منطقه سیستان و بلوچستان در هم بشکنیم، و این امری سیاسی و اقتصادی است که حاکمیت خان را از بین می برد.

خلیج فارس کردند. اگرچه پیروزی انقلاب طومار سلطه اینها را در هم پیچیده اما آثار غیراسلامی و غیر انسانی روابط خان و کشاورز در منطقه باقیمانده است. عده‌ای از خانها هنوز هم در منطقه حضور دارند و فعال هم هستند اما به آن مفهوم



حصیر بافی شاید از مهمترین صنایع دستی مردم چاه بهار باشد و نابودی صنایع دستی در چاه بهار چیزی نیست جز نتیجه سیاست های غلط رژیم گذشته.

واگذاری سریع زمین و قلع و قمع خانها و باشیدن باندهای قاچاق از رهنمودهای برادر تاتاری نماینده مردم زاهدان می باشد که در گفتگویی برای حل مسائل و مشکلات سیستان و بلوچستان ارائه داده است. نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی در این نشست همچنین بر اجرای هرچه سریعتر لایحه واگذاری زمین، تعیین حدود مالکیت ها و تصویب قانون دولتی کردن تجارت خارجی، بعنوان راه حل‌های گسستن حاکمیت استثماری خانها تاکید بسیار کرده است. همچنین در این مصاحبه به تاریخچه مالکیت زمینها، صنایع دستی، صنایع کوچک و کشاورزی سیستان و بلوچستان اشاره شده است.

س - بطور کلی مسأله خان و مشکلات و مسائل مربوط به زمین در استان به چه شکل است؟

ج - مسأله زمین را در سیستان و بلوچستان باید بطور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار داد و می توان در باره آنها بسیار سخن گفت، اما بطور خلاصه اینکه در سیستان سوابق ام واگذاری زمین به دوره رضاخان برمی گردد، که یک اصلاحات صوری انجام شد، اما از آنجائی که خود رژیم فاسد بود، حاصل درستی بیار نیاورد. یکبار دیگر نیز در سالهای ۴۰ به بعد مسأله اصلاحات ارضی مطرح شد که این بار نیز این اصلاحات به نفع همان ایادی خواین و رژیم تمام شد. بالطبع مسأله خان در بلوچستان نیز از یک چنین وضعی برخوردار بود، اصلاحات ارضی که خود فاسد بود و از سوی رژیمی فاسد عنوان می شد، هیچگونه اثری جز فساد باقی نگذاشت. اصلاحات ارضی بگونه‌ای اجرا شد که در عمل خانها پروارتر و قویتر شدند و حتی در سال ۴۱ عده زیادی از کشاورزان را وادار به مهاجرت به قسمتهای گنبد کاووس و کشورهای



س - بنظر شما برای رفع محرومیت های این سرزمین چه باید کرد؟ و خود شما به عنوان نماینده مردم آن منطقه چه کاری انجام داده اید؟

ج - اول به قسمت آخر سئوالتان پاسخ می دهم. هر نماینده بنابر وظیفه اصلی خود باید در تصویب قوانین نفع مستضعفین تلاش کند. در عین حال باید به وظیفه جنبی خود که حل مسائل و مشکلات حوزه انتخابیه اش است عمل کند. من در این جهت فعالیت هایی داشته ام و بعد کافی زحمت کشیده ام. از نظر اجرای فعالیت های من، بیشتر در قسمت های صنایع کوچک، صنایع دستی و مسائل کشاورزی بوده است. در صنایع کوچک پیشرفتی محسوس نسبت به دو سال گذشته از طریق شرکتهای تعاونی و مرکز گسترش حاصل شده است. از آنجائیکه من عضو کمیسیون برنامه و بودجه هستم، سعی کرده ام برای صنایع دستی بویژه قالی بافی و سوزن زنی بودجه کافی اختصاص دهم. در اثر رشد صنایع دستی در سال ۵۸ و ۵۹ حدود ۳۰۰ نفر به کار مشغول شده اند که از این طریق حدود ۴ هزار نفر ارتزاق می کنند، ما سعی داریم صنایع دستی بخصوص سوزن زنی را تا مرحله صادرات در این استان گسترش دهیم.

البته در زمینه گسترش صنایع دستی از جمله فراهم آوردن وسایل کار ما مشکلات فراوانی داشته ایم، که سعی شده است با مذاکرات و واردات این مسأله را حل کنیم. وضعیت صنعت دستی در سطح استان رضایت بخش است، همچنین در مورد قالیبافی بودجه را به ۵ میلیون تومان افزایش داده ایم. اخیرا نیز در فکر تدارک یک کارگاه ریسندگی پشم هستیم و در باره نصب یک کارگاه

قانونی که در شورای انقلاب به تصویب رسانده شد، از مجلس بگذرد. همان قانونی که امضای شهید مظلوم آیت الله بهشتی، آیت الله منتظری و آیت الله مشکینی را در بر دارد و در جهت نابودی خان بخصوص در سیستان که خان عامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، باشد، باید آثار وجود خان را با حل مسأله ارضی، نستگی و مجازات خانها و گسستن حاکمیت آنها در مناطق دور افتاده، محور کرد. نظام جمهوری اسلامی در این مورد باید با قاطعیت بیشتری در سطح منطقه عمل کند. و در این راه باید قاجاق را ریشه کن کند، زیرا قاجاقچیان از عواملی هستند که با باج دادن خود به خان ها، آنها را بر قدرت تر می کنند.

در کنار همه اقدامات انجام شده، فعالیت فرهنگی نیز بسیار ضروری است تا با آگاه و هوشیار کردن مردم محروم منطقه و بسیج آنها، نظام خانخانی را از هم بگسلیم. ما امیدواریم دولت نسبت به این مسأله توجه کافی داشته باشد و کارخانهای فراری و ایادی آنها را که هنوز در منطقه هستند، یکسره کنند. هنوز خیلی از ایادی خان ها در سازمانهای دولتی هستند و ایادی ساواک هنوز فعال و با مجرمین و قاجاقچیان تماس بوده و فعالیت های آنان نیز محسوس است. گاهی که این فعالیت های ضدانقلابی نادیده گرفته شده، باعث ابقاء مسأله خان و خانخانی شده است.

س - نقش جهادسازندگی در خطه سیستان و بلوچستان بطور اخص و در کل جامعه بطور اعم چگونه می بینید؟

ج - کارهای جهادسازندگی را در سطح استان باید به عنوان یک الگو گرفته و آن را در سطح قبه در صفحه ۷۰

گذشت و بعد مسأله دولتی کردن تجارت خارجی که اکنون مراحل قانونی را می گذرانند، است. همبانی سیاسی سیستان و بلوچستان بسیار حساس است و تصویب قوانین مالکیت ارضی، تجارت خارجی و در ثبات هر چه بیشتر مسائل سیاسی این منطقه مؤثر است و می تواند مسأله قومیت گرایان را که عامل سوءاستفاده ابرقدرتهاست تعدیل کند، و تفاهم و وحدت بین برادران اهل سنت و شیعه را منسجم تر نماید. آمریکا برای شعله ور کردن آتش اصلاحات مهره هایی را تعیین و آنها را بسیار فعال کرده بود، که خوشبختانه با هوشیاری برادران اهل سنت بخصوص روحانیون و علمای آنان، این توطئه ها با

**\* باید از راه بسیج توده های مستضعف و وحدت هر چه بیشتر برادران اهل تشیع و تسنن روابط استثماری در این منطقه را در هم بشکنیم.**

**\* محرومین منطقه بدانند که نظر امام خمینی به آنهاست و پیروان امام نیز هیچگاه در رفع محرومیت آنها غفلت نخواهند کرد.**

شکست مواجه شد. اکنون برادران اهل سنت و تشیع در جبهه ها نیز دوشادوش یکدیگر شرکت کرده و سلاحهایشان را در جهت آزادی قدس بکار گرفته اند.

س - نظراتان را در مورد اصلاحات ارضی بند «ج» بفرمائید؟

ج - در خصوص بند «ج» امیدواریم که بنابر فرمایش آیت الله مشکینی جبهه نشود و انتظار همه مستضعفین این است که حداقل قانونی مشابه

نگری مذاکراتی شده است. برای حل مشکلات سیستان و بلوچستان، که یک مشکل همه جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است، باید توده های مستضعف را بسیج کرد و با توجه به وحدتی که بین شیعه و سنی وجود دارد باید عمل تعدیل سوی دیگر برای شکستن روابط استثماری باید از سه راه عمل کرد که یکی از آنها همسالی مسأله ارضی است. تصویب قانونی که مسأله ارضی را به رعیتی در آن نباند و حاصل کار عدالت به نفعی قدری آن کار می کند، باشد تعدیل حدود مالکیت از مسائل دیگری است که همبسته از تصویب محسوس

کشور و جبهه های جنگ که این برادران بسیار فعالیت داشته اند، گسترش دهیم. در خصوص سیستان و بلوچستان نیز بهتر است نمونه ای را عرض کنم: قبل از اینکه من افتخار نمایندگی مردم زاهدان را داشته باشم، مدتی مأموریت پیدا کرده که در جبهه بهار باشم. در آنجا ملاحظه کردم که یکی از بفرنج ترین مسائل جبهه بهار را برادران جهادسازندگی حل کرده اند، که رژیم طاغوت با سالها فعالیت نمی توانست حل کند و آن آبرسانی آب شیرین در سطح جبهه بهار بود. این مساله از کارهای بسیار مؤثر و چشمگیر خصوصاً در نیک شهر بوده است که قابل تقدیر و مورد تأیید می باشد. در عین حال من در نطق های قبل از دستور به کرات این مساله را یادآوری کرده ام که توجه بیشتری به اعزام نیرو در آن استان بکنند و آن استان نیاز بیشتری به فعالیت جهادسازندگی و جهادگران دارد. بخصوص که در دستگاههای سنتی ما به لحاظ شرایط خاص آن استان که نیروها بیشتر تعیندی هستند و یا خیلی از افراد اعزامی به آنجا تجارسی ندارند و به همین نسبت راندمان دستگاههای دولتی بجز چندتایی از جمله

بهرداری بقیه چندان رضایتبخش نیست و تنها سازمان و ارگانی که توانسته برنامه ای را در سطح آن استان بجا آورد جهاد بوده است. خصوصاً اینکه جهادسازندگی می تواند حامل پیام انقلاب باشد و هنگامیکه مستضعفین ببینند که در آنجا کار انجام شده و مهم از طریق جهاد است بالطبع گرایش بیشتری به انقلاب خواهند داشت. و اگر می بینیم برادران اهل سنت نیز در جبهه های جنگ هستند یکی از علتهاش این است که تشخیص داده اند، نظام جمهوری اسلامی فکر مستضعفین است. جهادسازندگی بهترین رسانه، برای رساندن نظریات مسئولین جمهوری اسلامی به دورافتاده ترین دهات میباشد. من به مسئولین جهاد یادآوری میکنم که هر اندازه نیرو به این مناطق بفرستید باز کم است. اگر چه در فاصله دو سه ماه اخیر چند گروه به این منطقه اعزام شده اند، اما باز هم کم است و من آن فونی را که جناب آقای ناطق نوری در مورد اعزام نیرو به استان دادند به برادر حجت الاسلام نوری نماینده امام و سرپرست فعلی جهادسازندگی

القا میکنم. در مورد همکاری با برادران جهاد به علت قانون تفکیک قوا، همیاری اجرایی ندارم، اما وظیفه یک نماینده نظارت در جریان کارهاست و من با سفر به این استان در دفعات مختلفی که با برادران جهاد سازندگی تماس داشته ام، از فعالیتهای آنان بازدید کرده ام و سعی کرده ام اگر کمکی از دستم برآید به آنها کمک کنم. در آخر پیام من به مستضعفین منطقه این است که با توجه به تفرقه اندازی امپریالیسم و ایادی آنها در منطقه، با نیرنگ های امپریالیسم آشنا باشند و هیچ مساله ای وحدت آنها را بر هم نزند و در وحدت ایدئولوژیک و سیاسی و اقتصادی آنها خللی بوجود نیاید و به توطئه گران اجازه فعالیت ندهند و بدانند که اگر مشکلاتی هست برطرف شود و سعی بر این باشد که در کمند پریچ و خم خان ها گرفتار نشوند و توجه داشته باشند که دولت جمهوری اسلامی بفرمانهاست و نظر امام - خمینی و ایت الله منتظری به محرومین است. من این اطمینان را به آنها میدهم که هیچکدام از پیروان امام در جهت رفع محرومیت آنها غفلت نخواهند کرد.

## شریعتی از...

بصورت زنده و نقاد رو برو شد. همان چیز که خود او میخواست. تلاشی برای اینکه آثار او از دسترس مردم (خدای نکرده) خارج شود یک جنایت و بیاناشی از تعصب های کور و بی سرانجام است. و نکته دیگر در مورد دکتر روحیه عرفانی عمیق ایشان است که در آثار آخری او به اوج خودش می رسد عرفان جوهره مذهب است این ویژگی را در نوشته های گروههایی که خود را به اصطلاح سمت مدافع شریعتی جا می زنند به هیچ وجه نمی بینیم.



## حجت الاسلام دعائی:

چیزی که خود مرحوم دکتر شریعتی هم اذعان داشته و نمی خواسته است بگوید که من یک فقیه اسلامی هستم. فقیه جامع الشرایط هستم. حتی در برداشتهای فلسفی نمی خواهد بگوید که من فیلسوفی هستم که نظرم جنبه پذیر نیست بلکه همیشه معتقد بوده از آن دیدگاهی که تخصص داشته مسائل را بررسی می کرده است. آن دیدگاه جامعه شناسی بود.

دکتر همیشه تأسف می خورد که این فراغت و فرصت رانداشته که با دیگر انارنی را بازنگری کند و اثر بیشتر از این مکتب و موازین اسلامی منطبق کند و او آخر عمر چنین تصمیمی را گرفته بود

و کفر آنها و نوشته هایش را در مورد اقبال بازنگری کرد و چیزهایی را اضافه و یا حذف کرده بود.

من از برخورد امام با دکتر چند خاطره دارم: یک روز محضر امام در نجف بودم ایشان فرمودند: یک نفر از تهران به نجف آمده و بلیط هواپیمای دوسره برایش گرفتند و اینهمه خرج کرده اند، بیش من آمده که دو چیز را ثابت کند یکی اینکه آقای مطهری با نوشتن کتاب حجابش زنان تهران را بی حجاب کرده است و امام با تسمی فرمودند که من آقای مطهری را می شناسم و اینها دروغ می گویند و دوم اینکه راجع به اسلام شناسی چاپ شهید دکتر گفتند که اعتقاد انحرافی دارد، امام فرمودند که من وقت خواندنش را ندارم شما بفرمایید کدام قسمت است، بعد از اینکه نشان دادند انتقاد چشمگیر و اساسی نبود. و یکبار دیگر امام درباره دکتر فرمودند: من از سه جهت متأسف هستم، یکی عدم توفیقی که این مرد در جمع بین قشر جوان و قشر مذهبی سنتی داشت، ای کاش تمام نیروی خودش را مصرف قشر جوان و تحصیل کرده نمی کرد و بایک درک واقع بینانه تری از مسائل مذهبی و اجتماعی، تبلیغاتش را برای جمع این دو قشر جوان و سنتی دنبال میکرد.

دوم تأسف می خوردند از برخوردها و درگیریهای تعصب آمیز که باعث شد خدمتش به سبب دانشگاهی توفیق کمتری داشته باشد. سوم تأسف می خوردند از کوتاه بودن عمر این مدد که اگر حیاتش طولانی می بود با تجربه

گذشته اش می توانست راهش را بهتر ادامه دهد. و این روشن است که دکتر شریعتی از شیفتگان و مخلصین امام بود و با شناختی که ما از مخالفین دکتر داشتیم، می دانیم که مخالفین دکتر عمدتاً مخالفین خود امام بودند، البته نمی خواهم کسانی را که اختلاف آکادمیک با دکتر داشتند بگویم بلکه کسانی را می گویم که بلوا پیا پی می کردند، کسانی که ماجراجو بودند و آنها عمدتاً کسانی بودند که با مرحوم دکتر طوری برخورد می کردند که با خود امام هم همان برخورد را داشتند. و باید گفت دکتر در نرج کشیدن از دشمنانش با امام در یک موضع بود و مخالفین مشترکی داشتند و طبیعتاً دوستان مشترکی هم داشتند.

مرحوم دکتر در صدد بود که در شستی با امام دقیقاً خط فکری آینده خودش را و خط تبلیغی آینده خودش را بعنوان یک سرباز اسلام مشخص کند و این تعبیر خود دکتر است که در هر جبهه ای که امام بگویند می ایستد و انجام وظیفه می کند.

یقیناً اگر دکتر حیات می داشت با آن درک و بینشی که او از اسلام داشت می توانست بهترین یاور و بهترین بازوی امام باشد و بهترین افشاگر مخالفین و دشمنان امام باشد و به عقیده من بهترین پیروان و معتقدان به دکتر کسانی هستند که الان همین نقش را داشته باشند و در همین موضعی باشند که اگر دکتر هم بود در آن موضع بود.....